

معرفی و نقد چاپ‌های جدید دستور سخن و دبستان پارسی

مونا ولی‌پور (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران)

۱. مقدمه

میرزا حبیب اصفهانی از پیشگامان تحول در نشر فارسی، شاعر، ادیب، مترجم و دست‌نویس بود. او در سال ۱۲۵۱ ق در روستای بن چهارم‌حال به دنیا آمد. در اصفهان و بغداد به تحصیل پرداخت و بعد از مدت کوتاهی اقامت در تهران، در حدود ۱۲۸۳ ق به استانبول تبعید شد و حدود سی سال بازمانده عمر خود را در استانبول گذراند. حبیب اصفهانی در استانبول به کارهای مختلفی پرداخت: آموختن زبان‌های ترکی و فرانسه، عضویت در محافل و مجامع فرهنگی، مراوده با نواندیشان ایرانی، همکاری با روزنامه‌ختر، تدریس در مدارس و تألیف و ترجمه کتاب‌های گوناگون. او شاعر بود و به تصحیح متون نیز همت داشت. وی علاوه بر زبان فارسی در موضوعات خوشنویسی و فهرست‌نگاری نیز صاحب اثر است. در حوزه زبان فارسی آثاری دارد که نخستین آنها دستور سخن است. حبیب اصفهانی حدود بیست سال بعد از دستور سخن، ویراست جدیدی از آن را با نام دبستان پارسی (۱۳۰۸ ق) منتشر می‌کند. تغییراتی که دبستان پارسی نسبت به دستور سخن دارد آینه تجربیات نویسنده در آموزش زبان فارسی در این بیست سال

است. علاوه بر این دو کتاب، حبیب اصفهانی کتاب‌های دیگری هم در این زمینه دارد که تفصیل و اهمیت هیچ کدام به پای این دو نمی‌رسد و به همین دلیل است که این دو کتاب، بیش از آثار دیگرش خوانده شده و شهرت یافته‌اند. علاوه بر تألیف، او کتاب‌های مهمی را نیز ترجمه کرده است. سرگذشت حاجی بابای اصفهانی نوشتهٔ جیمز موریه، ترجمهٔ منظوم نمایشنامهٔ میزانتروپ اثر مولیر و سرگذشت ژیل بلاس اثر آلن رنه لوساژ از ترجمه‌های مشهور حبیب اصفهانی است. حبیب در سال ۱۳۱۰ ق برای درمان و استفاده از آب‌های معدنی شهر بورسه^۱ به آنجا رفت و در همان‌جا درگذشت (رک: میرانصاری ۱۳۹۱: ۹۰-۹۷؛ خان‌ملک ساسانی ۱۳۰۸، ۱۳۷۶؛ پیرزادهٔ نائینی ۱۳۶۰، ۱۳۶۰/۲-۹۵-۹۸).

۲. دستور سخن

دستور سخن حدود شش سال بعد از ورود حبیب اصفهانی به استانبول، یعنی در سال ۱۲۸۹ ق برای نخستین بار منتشر می‌شود. حبیب اصفهانی دربارهٔ انگیزه‌اش در تألیف دستور سخن می‌گوید:

در اوقاتی که به اقتضای گردش آسمانی، من بندهٔ مستمند، حبیب اصفهانی، از جا و مقام خویش دور افتادم و رخت اقامت به آستانهٔ علیّهٔ استانبول نهادم، چندی به معلمی زبان فارسی و عربی مشغول بودم. در اثنای تعلیم و تدریس دیدم که زبان فارسی را از عرفا و ادبای آن دیار طالب و راغب بسیار است اما قواعد و دستوری درست در آموختن آن در کار نیست؛ برای آنکه پارسی‌دانان به ملاحظهٔ زبان مادرزادی خود بودن، به ترتیب اصولش نپرداخته‌اند و فارسی‌آموزان نیز آنچه در باب اصول و قواعد آن گفته ندانسته و نشناخته‌اند. دریغ آمدم که زبانی به این قدیمی و شیرینی چنانچه می‌بینی بی‌ترتیب و تهذیب ماند و از آن رو کسی به رغبت و میل، نوشتن و خواندن نتواند. پس کتابچه‌ای ترتیب دادم... (۱۲۸۹: ۳ دیباچه).

حسنعلی خان گروسی که در سال ۱۲۸۸ ق سفیر ایران در استانبول شد به حبیب اصفهانی برای انتشار دستور سخن کمک کرد:

۱. نام شهری است در ترکیه (Bursa).

... چون ترتیب کتاب به انجام پیوست، روزی در محضر جناب معلا القاب حسنعلی خان... شرف حضور داشتم. ... فرمودند چه بودی اگر زبان فارسی را دستوری درست بودی تا طالبان را دستگیری نمودی. گفتم: من بنده را در این باب مجموعه‌ای است دستور سخن نام که لایق مطالعه آن جناب است... پس کتابم را خواست. نمودم. دید و پسندید و همت نمود و به طبع و نشرش فرمود» (همان: ۵-۶ دیباچه).

بدین ترتیب در سال ۱۲۸۹ ق دستور سخن برای نخستین بار در استانبول به چاپ می‌رسد. به گفته میرانصاری این کتاب «برای تدریس در دارالشفقه (دارالتربیه‌های اسلامی استانبول) تألیف شده بود» (۱۳۹۱: ۹۵) و رویکردی آموزشی داشت.

دستور سخن شامل دیباچه، فهرست، مقدمه، مباحث آغازین و بدنه اصلی و یک فهرست اصطلاحات در انتهاست. حبیب اصفهانی دیباچه را با حمد و ستایش پروردگار و نعت پیامبر آغاز می‌کند. سپس انگیزه‌اش از نوشتن کتاب را بیان می‌کند و در ادامه، ویژگی‌های کتاب را برمی‌شمرد. در ضمن بیان ویژگی‌های کتاب، درباره چارچوب کلی اثر نیز توضیحاتی می‌دهد. سپس داستان چاپ اثر و تقدیم آن به حسنعلی خان گروسی را بیان می‌کند.

از جمله ویژگی‌های کتاب که مورد اشاره حبیب اصفهانی هم هست توجه به قواعد زبان عربی در کنار قواعد زبان فارسی است. کلمات و عبارات و اصطلاحات عربی زیادی در فارسی مستعمل اند. به همین دلیل حبیب اصفهانی طریق استعمال کلمات عربی در فارسی را توضیح داده و تصرفات فارسی‌زبانان در کلمات عربی را خواه در تکلم و خواه در ترسل بازنموده است. به عقیده حبیب، بعضی از این کلمات و عبارات دخیل را دیگر نمی‌توان عربی دانست چراکه «با آن‌گونه تصرفات مالکانه، از عربیت آنها چیزی در میان نمانده است». به دلیل ورود بعضی از کلمات و عبارات و ویژگی‌های زبان عربی در فارسی، حبیب اصفهانی ترجیح داده در کنار بیان قواعد زبان فارسی، بعضی از قواعد زبان عربی را هم مرور کند و توضیح دهد. به گمان او «از این کتاب، هر کس به شرط آنکه معلمش خود محتاج به آموختن نباشد، یک زبان را که مرکب از دو زبان است در اندک زمان سریع و آسان تواند فراگرفت» (۱۲۸۹: ۳ و ۴ دیباچه).

بدین جهت است که در سراسر کتاب تلاش کرده قواعد فارسی و عربی را به‌طور موازی در کنار هم بگویند و پیش‌بردد. برای مثال در فصل اسم بعد از توضیح اسم در فارسی، اسما عربیه^۱ و اقسام و اوزان آن را بیان کرده و سپس کیفیت^۲ اسما فارسی و بعد از آن کیفیت اسما عربیه را توضیح داده است... الی آخر (همان: ۱۷-۲۲).

حبیب شواهد و مثال‌ها را عمدتاً از اشعار مشهور فارسی انتخاب کرده است. شمار زیاد شواهد در بعضی قسمت‌های کتاب، هدف دیگری را دنبال می‌کند: «در بعضی مطالب، امثله زیادتر نهادم تا چنانچه تعلیم ضوابط راست، تعلیم قرائت را نیز باشد» (همان: ۳ دیباچه). چند منظوره بودن و آموزش موازی دستور فارسی و عربی و استفاده از شواهد زیاد شعری با هدف آموزشی کتاب سازگاری ندارد و یادگیری را برای زبان‌آموز دشوار می‌سازد. به همین دلیل است که در دبستان پارسی، نویسنده مباحث مربوط به زبان عربی را حذف کرده، از تعداد شواهد منظوم کاسته و از مثال‌های ساده‌تری استفاده کرده است.

حبیب اصفهانی تلاش کرده به‌جای وضع اصطلاحات جدید، از تعابیر صرفی و نحوی موجود که عمدتاً مربوط به زبان عربی است استفاده کند: «از اصطلاحات و تعبیرات صرفی و نحوی آنچه معروف و مصطلح است همان را التزام کردم تا مرا این دستور زاد فی الطنبور^۳ نشود» (همان‌جا). در این راستا او فهرستی از اصطلاحات صرفی و نحوی عربی به انتهای کتاب افزوده است (همان: ۱۷۳-۱۷۸). در متن کتاب هم، اصطلاحاتی را که به کار توصیف زبان فارسی نمی‌آیند بازتعریف کرده و آنها را در معنای جدیدی به کار گرفته است. برای مثال، جمله اسمیه را در معنای جمله اسنادی و جمله فعلیه را در معنای جمله غیراسنادی به کار برده. همچنین نهاد و گزاره را به ترتیب در جملات اسنادی مبتدا و خبر و در جملات غیراسنادی فاعل و فعل نامیده است. همچنین مسندالیه را به‌عنوان اصطلاحی پوششی برای

۱. حبیب بسیاری از قواعد صرف و نحو عربی را برای کلمات عربی که در زبان فارسی مستعمل‌اند جاری می‌داند. برای مثال طبق نظر او اگر موصوف جمع مکسر باشد، صفت باید مفرد مؤنث ذکر شود مانند قرون ماضیه و فصول آتیه (۱۲۸۹: ۴۵-۴۶). به همین دلیل است که به‌جای «اسماء عربی» از ترکیب «اسماء عربیه» استفاده کرده است.
۲. حبیب «کیفیت» را در معنای جنس به کار برده است.
۳. «زاد فی الطنبور نغمه» مثلی است در معنای کنایه مصیبتی به مصیبت‌ها افزودن و آتشی را دامن زدن (لغت‌نامه دهخدا).

مبتدا و فاعل به کار برده است (همان: ۱۳۰).

بعد از دیباچه، حیب فهرستی از مطالب کتاب به دست می‌دهد. پس از دیباچه و فهرست، مقدمه‌ای تک‌صفحه‌ای قرار دارد که حیب در آن به تعریف سخن، دستور سخن، کلام، کلمه، حرف و حرکت پرداخته است. سپس کلیاتی درباره‌ی برخی حروف، قلب و ابدال، تعریب، اعراب، املا، کلمه و اقسام آن بیان می‌کند. در دستور سخن، حیب اصفهانی کلمه را مانند دستورهای عربی به سه دسته اسم و فعل و حرف تقسیم کرده (همان: ۱۰). علاوه بر آن، موضوعات دستور سخن را ده مورد دانسته است: ۱. اسماء ۲. صفات ۳. کنایات ۴. افعال ۵. فروع فعل ۶. قیودات ۷. حروف و ادوات ۸. مرکبات ۹. ضوابط تألیف کلام ۱۰. املا (همان: ۱۷). تقسیم‌بندی حیب اصفهانی از اقسام کلمه که جای دیگری در همین کتاب «اجزای کلام» نامیده شده (همان: ۱۳۰)، در دبستان پارسی تا حدی تغییر می‌کند که متعاقباً بدان اشاره می‌شود.

بعد از دیباچه و فهرست و مقدمه و مباحث آغازین، بدنه اصلی کتاب آغاز می‌شود. بدنه اصلی کتاب از دو بخش تعلیمات و معلومات تشکیل شده است. بخش تعلیمات بخش اصلی کتاب و شامل مباحث دستوری است. موضوعات ده‌گانه دستور سخن در قالب ده فصل در این بخش آمده است. بخش معلومات که تنها بیست درصد کتاب را اشغال کرده، فهرستی از بعضی اصطلاحات و لغات مترادف و ضرب‌المثل‌های عربی متداول در فارسی و همچنین شامل برخی ضرب‌المثل‌ها و کنایات فارسی است. حیب اصفهانی درباره‌ی این تقسیم‌بندی گفته است:

این کتاب را دو جزو قرار دادم و جزو اول مشتمل است بر قواعد لازمه که به آموختن و تعلم محتاج است و جزو ثانی عبارت است از بیان مطالبی چند که منشیان و مترسلان را به کار خواهد آمد و محتاج به تعلیم و تعلم خاص نیست بلکه با مطالعه و مراجعت به کتب سائره آنها را به آسانی توان آموخت (همان: ۴ دیباچه).

به عبارت دیگر، وی کلماتی را که کلام از آنها مرکب است به دو دسته تقسیم می‌کند:

یکی آنکه در ترکیب جمله از آنها ناگزیر است؛ یعنی ترکیب جمله بی آنها صورت نمی‌بندد

و فراگرفتن آنها به تعلم محتاج است و دیگری آنکه برای تزئین عبارت و تفنن در آن و از برای اطناب بیان و افاده معانی زائده و سایر محسنات است و فراگرفتن آنها به اطلاعات افزایش. پس اولین تعلیمات را باشد و دومین معلومات را و برای هر یک جزوی جداگانه قرار داده شده است (همان: ۱۶).

همان‌طور که گفتیم در پایان کتاب نیز فهرستی از اصطلاحات دستوری عربی آمده است. بدین ترتیب می‌توان مندرجات دستور سخن را در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول مندرجات دستور سخن		
	دیباچه	مقدمات
	فهرست	
	مقدمه و مباحث آغازین	
فصل اول: اسماء	تعلیمات	بدنه اصلی
فصل دوم: صفات		
فصل سوم: کنایات		
فصل چهارم: افعال		
فصل پنجم: فروع افعال		
فصل ششم: قیودات		
فصل هفتم: حروف و ادوات		
فصل هشتم: مرکبات		
فصل نهم: تألیف کلام		
فصل دهم: ضوابط املا و خط		
فصل اول: اصطلاحات و عبارات عربی مستعمل در فارسی	معلومات	
فصل دوم: لغات مترادف عربی مستعمل در فارسی		
فصل سوم: اصطلاحات و عبارات کنایی فارسی		
فصل چهارم: ضرب‌المثل‌ها و تعابیر مشهور فارسی		
فصل پنجم: ضرب‌المثل‌ها و تعابیر عربی مستعمل در فارسی		
فصل ششم: فهرست اصطلاحات صرفی و نحوی زبان عربی	اصطلاحنامه	

۱-۲ بررسی چاپ جدید دستور سخن به کوشش محسن معینی^۱

دستور سخن بعد از حدود صد و چهل سال، در سال ۱۳۹۴ به کوشش محسن معینی و به همت نشر چشمه در تهران، دوباره چاپ شده است.

محسن معینی مقدمه کوتاهی بر کتاب نوشته و در داخل متن نیز توضیحاتی در پاورقی‌ها افزوده است. توضیحات او در بخش تعلیمات انگشت‌شمار و نامرتب با مباحث دستوری است اما توضیحاتش در بخش معلومات بیشتر است، طوری که او تقریباً تمام اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عربی را در پاورقی ترجمه کرده و برای بعضی از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی هم علاوه بر توضیحات، شواهدی از نظم و نثر فارسی آورده است. نقطه قوت چاپ او در همین بخش معلومات است.

من در یادداشت دیگری مقدمه معینی بر این چاپ را مفصلاً بررسی کرده‌ام و از باب نمونه دیباچه و فصل چهارم از بخش تعلیمات این چاپ را با چاپ اول دستور سخن مقابله نموده و اشکالات چاپ معینی را نمایانده‌ام (رک: ولی‌پور ۱۳۹۴). در این نوشتار ابتدا به نقل از یادداشت مذکور، خلاصه‌ای از اشکالات مقدمه می‌آورم و سپس اشکالات کلی متن کتاب را که در سراسر آن به چشم می‌خورد بررسی می‌کنم.

۱-۱-۲ اشکالات مقدمه

همان‌طور که گفته شد معینی برای دستور سخن مقدمه‌ای نوشته و در آن، حبیب اصفهانی و آثار او و همچنین دستور سخن را معرفی کرده است. به اشکالات این مقدمه به اجمال اشاره می‌شود:

۱-۱-۱-۲ استفاده از منابع دست چندم و تطبیق ندادن آنها با منابع اصلی و تکرار اشتباهات

دیگران

از جمله این اشتباهات می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

۱. به دلیل ارجاعات فراوان به چاپ معینی، در ارجاع‌های درون‌متنی به ذکر شماره صفحه اکتفا شد.

۱. در مقدمه یک بار از گریز حبیب اصفهانی به روسیه و بار دیگر از مرگ او در روسیه صحبت شده است (ص ۹) در حالی که او هرگز به روسیه سفر نکرده. اولین مورد مذکور تحریف «رومیه»^۱ و دومی تحریف «بورسه»^۲ است که از منابع دیگر به مقدمه معینی راه یافته‌اند (برای تفصیل این بحث رک: ولی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۴).

۲. مدرس صادقی (۱۳۷۹: هفده) به اشتباه، فاصله چاپ دستور سخن و دبستان پارسی را ده سال گفته و این اشتباه در مقدمه معینی هم تکرار شده است (ص ۱۴).

۳. مجتبی مینوی در مقاله‌ای (۱۳۳۶: ۴۴۵) به اشتباه تاریخ چاپ نخست دستور سخن را ۱۳۰۸ ق و تاریخ چاپ دبستان پارسی را ۱۳۲۴ ق نوشته است. این اشتباه در مقدمه معینی هم آمده (ص ۱۷).

۲-۱-۱-۲ مشخص نبودن شمسی یا قمری بودن تاریخ‌ها
جز یک مورد، بقیه تاریخ‌ها در مقدمه قید شمسی یا قمری را ندارند. این ابهام به‌ویژه در قسمت معرفی آثار حبیب اصفهانی مشکل‌ساز است چراکه تاریخ چاپ آثار قدیمی در کنار تاریخ چاپ آثار جدید ذکر شده است (ص ۱۲-۱۳).

۳-۱-۱-۳ نبود پیوند منطقی بین بخش‌های مختلف مقدمه
اگر مقدمه را از آغاز تا پایان بررسی کنیم متوجه می‌شویم که این مقدمه انباشتی از اقوال دیگران درباره حبیب اصفهانی، آثار او و دستور سخن است. نقل قول‌های طولانی و مختلف و همچنین جای خالی معینی در مقام پیونددهنده این اقوال، به تشتت مقدمه و بهم‌ریختگی آن دامن زده است؛ برای مثال در اواخر مقدمه، از قول فرشیدورد اطلاعاتی درباره تعریف دستور در قدیم، کارکرد دستورنویسی برای ملل مختلف، تاریخ دستورنویسی در جهان و تعداد اجزای کلام در دستورهای لاتین و دستور سخن نقل می‌شود که با

۱. منظور از «ممالک رومیه» سرزمینی است که حوزه سلطنت امپراتوری روم شرقی بوده و مرکز آن قسطنطنیه (استانبول) بوده است.

۲. شهری در ترکیه که آب‌های معدنی‌اش شهرت داشته و حبیب اصفهانی برای معالجه رماتیسم به آنجا سفر کرد و در همان‌جا درگذشت.

گفته‌های قبل و بعد ارتباط منطقی ندارد (ص ۱۸-۱۹).

۴-۱-۱-۲ شتاب‌زدگی در نقل اقوال دیگران و ارجاع‌دهی‌های ناقص

نمونه‌های این شتاب‌زدگی در نقل برش‌هایی از مقاله مظاهری و همکاران (۱۳۸۳) قابل مشاهده است. معینی قسمتی را با عنوان خلاصه مقاله مظاهری و همکاران (۱۳۸۳) در گیومه قرار داده و در پاورقی به آن ارجاع داده است (ص ۲۰)، اما چهار پاراگرافی هم که بعد از بسته شدن گیومه می‌آید ادامه همین مقاله است (ص ۲۰-۲۱). یکی از بندهای بدون ارجاع با عبارت «به نظر نگارنده» آغاز می‌شود که خواننده قاعدتاً آن را از آن معینی می‌پندارد و محتوای آن را داوری وی درباره موضوع مورد بحث فرض می‌کند اما این قسمت نیز مستقیماً از مقاله مذکور نقل شده است بی‌آنکه به آن ارجاع داده شود (مظاهری و همکاران ۱۳۸۳: ۱۰۲).

۲-۱-۲ اشکالات کلی متن

متن دستور سخن در چاپ معینی اشکالاتی دارد که به آنها اشاره می‌شود:

۱-۱-۱-۲ جافتادگی کلمات یا عبارات

بسامد این جافتادگی‌ها در چاپ معینی کم نیست. برای مثال می‌توان این موارد را ذکر کرد: جافتادگی عبارت «... مضارع پیش از دال درآید و افاده دعا کند و در آخر مفرد غائب...» در بند صدوسی و پنج (ص ۱۰۳)، «مصدر رباعی مجرد را دو وزن مشهور است: دحرجه و دحراج»^۱ در بند صد و چهل و سه (ص ۱۰۸)، «خوشا وقت صبح خوشا می خوردنا/ روی نشسته هنوز دست به می بردنا» در بند صد و پنجاه و نه (ص ۱۲۴)، «حاجی به ره کعبه و ما طالب دیدار/ او خانه همی جوید و ما صاحب خانه» در بند صد و پنجاه و نه (ص ۱۲۹). جافتادگی‌های چاپ معینی محدود به موارد مذکور نیست و نمونه‌های فراوان دیگری نیز

۱. از مواردی است که گویا حروف نگار از خطی به دو خط پایین‌تر رفته و خطی را کلاً جا گذاشته است.

۲. معینی جلو بند ۱۴۳ را خالی گذاشته و این توضیح را در پاورقی افزوده است: «در متن اصلی برای این شماره مطلبی نیامده و از ۱۴۲ به ۱۴۴ رفته است» (ص ۱۰۸). این درحالی است که در نسخه‌ای که از چاپ اول (۱۲۸۹ ق) در اختیار نگارنده است جلو شماره ۱۴۳ درباره دو وزن مشهور مصدر رباعی مجرد توضیحی وجود دارد که به آن اشاره شد.

وجود دارد (ص ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۸۱، ۱۰۲، ۱۲۳، ۱۶۱، ۱۸۴).

۲-۱-۲-۲ اضافه شدن کلماتی که جزو متن نیستند

بسامد این اشکال در متن اندک است. برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: «نمونه»

(ص ۳۴)، «هر» در بند شصت و سوم (ص ۵۸)، «انکار» در بند صد و سی و هفت (ص ۱۰۵).

۳-۱-۲-۳ درج بعضی کلمات به صورت ناصحیح

مصادیق این اشتباه فراوان است و بعضی از آنها معنای جمله را به کلی تغییر می‌دهند.

برای مثال «دقت نمایید»^۱ به جای «دقت نمایند» (ص ۴۰)، «ضمایر تشبیه» به جای «ضمایر

نسبیه» در بند صد و هفتم (ص ۷۹)، «باید» به جای «نباید» در آخرین جمله بند صد و هفتم

(ص ۷۹)، «به بازار» به جای «ببازار» در بند صد و سی و پنج (ص ۱۰۴)، «گز» به جای «گزین»

در بند صد و سی و شش (ص ۱۰۴)، «ترکیب وصفی» به جای «ترکیب صفتی» در بند

صد و شصت و چهار (ص ۱۴۷)، «کلمات» به جای «کلام» در عنوان فصل نهم (ص ۱۵۵).

تعداد این اشتباهات بسی بیش از این‌هاست (ص ۵۰، ۵۲، ۵۶، ۸۰، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۲۸،

۱۳۳، ۱۴۴، ۱۴۶).

بعضی از این اشتباهات سهواً رخ داده‌اند اما بعضی از آنها محصول بدفهمی و بدخوانی

است. برای مثال، در چاپ اول دستور سخن، «ک» در نوشتار تمایزی با «گ» ندارد. به

همین دلیل تشخیص بعضی از کلماتی که با این حرف نوشته شده‌اند به اندکی تأمل احتیاج

دارد. از جمله خطاهای پرشمار چاپ معینی، اشتباه در تشخیص این کلمات است. برای

مثال کلمات «گریز، گریغ، گوازه، گوازه، شگال، خانگی» همگی در چاپ معینی به غلط

۱. صورت غلط (نمایید) اول آمده و صورت صحیح (نمایند) پس از آن ذکر شده است.

۲. حبیب اصفهانی برای ابدال «ز» به «غ» کلمه گریز را مثال زده است که بعد از ابدال به گریغ تبدیل می‌شود (برای شواهد کاربرد گریغ در فارسی قدیم رک: لغت‌نامه دهخدا).

۳. حبیب برای ابدال «ژ» به «ز» کلمه گوازه را مثال زده است که بعد از ابدال به گوازه تبدیل می‌شود. گوازه همان‌طور که وی اشاره کرده به معنی طعنه و حرف لغو است و از ریشه «واج» اوستایی و «واج» سنسکریت است و با باژ و آواز و آوازه و آوا هم‌ریشه است (لغت‌نامه دهخدا).

۴. حبیب برای ابدال «غ» به «گ»، «شغال» را مثال زده است که پس از ابدال به «شگال» تبدیل می‌شود.

با «ک» نوشته شده‌اند (ص ۳۲-۳۳). همچنین است کلمات «اقلیم‌گیری» و «گشتن» که معینی به ترتیب به جای آنها «اقلیم کبری» و «گشتن» نوشته است (ص ۸۱، ۸۹). علاوه بر آنها، معینی در قسمت توضیح صیغه مبالغه به جای پسوند «گار»، «کار» نوشته است و در مثال‌ها هم کلمه «آمرزیدگار» را به صورت «امر زیدکار» (!؟!) درج کرده است (ص ۱۰۰). این اشتباه نمونه‌های دیگری هم دارد (مثلاً ص ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۸۲).

۴-۲-۱-۲ رسم الخط نامناسب و نایکدست و صفحه‌آرایی ضعیف

علاوه بر نکات بسیاری که مرتبط با ویرایش زبانی‌اند، حبیب درباره ویرایش صوری و رسم الخط نیز آرائی دارد که در دستور سخن به طور گسترده به آنها پرداخته است. بهتر بود برای تجدید چاپ دستور سخن، بعضی ویژگی‌های رسم الخطی که مد نظر حبیب اصفهانی است و در روانی متن هم خللی ایجاد نمی‌کند رعایت می‌شد. برای مثال معینی همه جا برخلاف نظر حبیب اصفهانی و فرهنگستان، «ه» را به صورت «هی» درج کرده است. در قسمت علامات املا، حبیب گفته است: «همزه در فارسی بدل از کسره اضافی است که در باب اضافه خواهد آمد، چون خانه من» (۱۲۸۹: ۱۰) و در باب اضافه گفته است: «اگر مضاف منتهی به "ه" رسمیه باشد همزه‌ای بر آن افزایند و مانند یا تلفظ کنند» (همان: ۳۰). از آنجا که این شیوه مطابق با دستور خط فرهنگستان کنونی نیز هست (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴: ۲۸) بهتر بود مصحح این شیوه را به کار می‌برد، یا دست‌کم لازم بود در مثال‌های مربوط به این قسمت‌ها در دستور سخن، این نکته رعایت شود (مثلاً ص ۳۶، ۵۵)، چراکه نوشتن مثال‌ها با «هی» وقتی نویسنده «ه» را توصیه می‌کند به نوعی نقض غرض است (اشکال مشابهی در ص ۷۸ و ۱۶۱ به چشم می‌خورد).

علاوه بر آن، معینی در گذاشتن گیومه و کمانک و کروشه و دیگر علائم نگارشی یکدست عمل نکرده است. برای مثال در سراسر کتاب شرح عبارات و کلمات را در پاورقی گنجانده و تنها در فصل سوم بخش معلومات، توضیحات را به داخل کروشه برده و شاهد مثال‌ها را در پاورقی آورده است. استفاده نکردن از علائم سجاوندی به شیوه صحیح و یکدست موجب بدخوانی شده. برای مثال در قسمت نمونه‌های کلمات معربه، در چاپ

اول با درج فاصله‌ای بین کلمات، تمایز آنها از هم نشان داده شده است (۱۲۸۹: ۸-۹). این درحالی است که در چاپ معینی کلمات تنها با یک فاصله و بی‌هیچ گونه علامت سجاوندی‌ای (مثلاً ویرگول) نوشته شده‌اند (ص ۳۴ و مشابه آن ص ۳۱-۳۲). علاوه بر رسم الخط، صفحه‌آرایی^۱ هم نامناسب است به‌ویژه هنگامی که مطالب در ستون‌ها یا جدول‌هایی ارائه شده‌اند (برای مثال ص ۳۱، ۳۲، ۷۷، ۷۸، ۸۳، ۹۳-۹۶).

۲-۱-۲-۵ مراجعه نکردن به دبستان پارسی برای رفع بعضی از تردیدها و ابهام‌ها بسیاری از مباحث و مثال‌های دبستان پارسی و دستور سخن مشترک و مشابه‌اند. برای اطمینان از صحت صورت بعضی از کلمات و مثال‌ها در دستور سخن می‌توان از دبستان پارسی مدد گرفت یا بعضی از اغلاط چاپی چاپ نخست را بدین صورت تصحیح کرد. برای مثال واژه‌های کأس، سمیذ^۲ و دارصینی در چاپ معینی به ترتیب به صورت کناس، سیمند و داصینی نگارش یافته‌اند (ص ۳۴). از این سه واژه، سیمند جزو اغلاط چاپ اول هم هست (۱۲۸۹: ۹). مراجعه به همین قسمت در دبستان پارسی از این خطاها جلوگیری می‌کرد (۱۳۰۸: ۱۲۹).

۲-۱-۲-۶ نایکدستی در شیوه برخورد با اغلاط چاپ اول چاپ اول دستور سخن هم اشکالاتی دارد که عمده آنها مطبعی‌اند. معینی در مواجهه با این غلط‌ها سه گونه عمل کرده است: ۱. گاهی غلط‌ها بی‌هیچ اشاره‌ای تصحیح شده‌اند (مثلاً ص ۱۵۷)؛ ۲. گاهی صورت صحیح در کمانک یا کروش آمده است (مثلاً ص ۶۱، ۶۰، ۱۵۷)؛ ۳. گاهی غلط‌ها دست‌نخورده رها شده‌اند؛ برای مثال در چاپ اول آخرین شاهد مثال بند پنجاه‌وشش به اشتباه مانند عناوین، برجسته نوشته شده است (۱۲۸۹: ۳۲). این اشتباه در چاپ معینی هم تکرار شده (ص ۵۶؛ نمونه‌های دیگر در ص ۶۹، ۹۷، ۱۰۴).

۱. چاپ اول دستور سخن با اینکه بیش از یک قرن پیش تهیه شده است در بعضی مواضع از نظر صفحه‌آرایی بر چاپ جدید آن برتری دارد. برای مثال حبیب اصفهانی در پایان فهرست با رعایت فاصله‌ای این عبارت را درج کرده است: «بند کمترین حبیب» (۱۲۸۹). این عبارت در چاپ جدید بدون رعایت فاصله درج شده، چنان‌که گویی جزئی از فهرست است (ص ۲۸).

۲. سمیذ یا سمید نوعی نان است (لغت‌نامه دهخدا).

۷-۲-۱-۲ نایکدستی در شیوه برخورد با موارد مبهم

معینی گاهی کلمات و عبارات مبهم را توضیح داده است که این توضیحات عمدتاً مربوط به بخش معلومات است. گاهی هم جلو کلمه یا عبارت مبهم علامت سؤال گذاشته (مثلاً ص ۲۱۵) و گاهی هم موارد مبهم را بی هیچ اشاره‌ای رها کرده. برای مثال در صفحه ۳۴ کلمات دهاک^۱ و افایه^۲ را در پاورقی توضیح داده است ولی در همین صفحه درباره بسیاری از کلمات دشوار از جمله قصعه^۳، سکرجه^۴، کعک^۵، جردق^۶ و... توضیحی نداده است.

۸-۲-۱-۲ نایکدستی در شیوه ارجاع‌دهی

شیوه ارجاع‌دهی در مقدمه و متن یکدست نیست. در ضمن، بعضی از کتاب‌ها و مقالاتی که در تعلیقات از آنها استفاده شده، در فهرست منابعی که در انتهای کتاب آمده وجود ندارند؛ برای مثال می‌توان به شرف‌نامه منیری و بسیاری از کتاب‌هایی اشاره کرد که منبع شواهد شعری‌اند.

همان‌طور که گفتیم توضیحات معینی در بخش تعلیمات انگشت‌شمار است اما در بخش معلومات، او تقریباً تمام اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و تعابیر عربی را ترجمه کرده است. بیشتر کنایات و اصطلاحات فارسی مذکور در فصل سوم بخش معلومات را نیز توضیح داده و برای آنها شواهدی از شعر فارسی آورده. از طرف دیگر، اشتباهاتی نظیر جاافتادگی و درج کلمات به‌صورت نادرست، در این بخش بسیار کمتر از بخش تعلیمات

۱. به گفته حبیب «چون کلمات فارسی را به عربی نقل کنند و یا مانند الفاظ عربیه تلفظ کنند، بعضی از حروف آنها را به حروف دیگر قلب کنند» (۱۲۸۹: ۸). یکی از قلب‌ها، قلب «د» به «ض» است. بنابراین به گفته حبیب کلمه ضحاک معرب دهاک است. شایان ذکر است که «دهاک» در دستور سخن و دبستان پارسی با نیم‌فاصله نوشته شده (۱۲۸۹: ۸؛ ۱۳۰۸: ۱۲۹)؛ ولی معینی آن را سرهم نوشته است.

۲. همان‌طور که معینی اشاره کرده افایه به معنی داروهای خوشبو یا ادویه معطر است (ص ۳۴؛ نیز: لغت‌نامه دهخدا).

۳. قصعه به معنی کاسه است و بعضی گویند که معرب آن است (لغت‌نامه دهخدا).

۴. سکرجه به معنی ظرفی کوچک است که خوردنی‌ها را در آن گذارند و بر سفره نهند. سکرجه واحد وزن نیز هست (لغت‌نامه دهخدا).

۵. کعک معرب کاک و به معنی نان خشکی است که از آرد خشک، بی شیر و روغن پخته شود (لغت‌نامه دهخدا).

۶. جردق معرب گرده است به معنی نان درشت یا قرص نان (لغت‌نامه دهخدا).

است. بنابراین در بخش معلومات تا حد زیادی می‌توان به چاپ معینی اعتماد کرد. اما به‌طور کلی، مقدمه پراشتباه و نامستند، نبود هیچ‌گونه شرح و توضیح مرتبط با مباحث دستوری و بیش از همه اشتباهات پرشمار در حروف‌نگاری قسمت تعلیمات باعث شده که چاپ جدید دستور سخن چندان به کار محققان حوزه دستور نیاید و یا دست‌کم باید گفت آنها را از مراجعه به چاپ نخست بی‌نیاز نمی‌کند.

۳. دبستان پارسی

بعد از دستور سخن، مهم‌ترین کتاب دبستان پارسی است که در ۱۳۰۸ ق منتشر شد. این کتاب حدود بیست سال با دستور سخن فاصله دارد. در این مدت، حبیب اصفهانی در مدارس مختلف مشغول تدریس زبان فارسی بوده است. تغییراتی که دبستان پارسی نسبت به دستور سخن دارد بازتاب تجربیات نویسنده در آموزش زبان فارسی در این مدت است و «محصول چندین ساله تعلیمش» است. دبستان پارسی در حقیقت ویراست جدیدی از دستور سخن است که در آن بسیاری مطالب حذف یا مختصر شده یا به گونه‌ای ساده‌تر بیان شده است. در چاپ نخست (۱۳۰۸ ق در استانبول)، روی جلد، زیر عنوان کتاب، عبارت «برای پارسی‌آموزان پرداخته شده است» درج شده. این جمله، جامعه مخاطبان کتاب را نشان می‌دهد. حبیب اصفهانی در دیباچه توضیح مفصل‌تری در این باره می‌دهد:

من بنده شرمنده، حبیب اصفهانی، پس از نوشتن کتاب دستور سخن و چاپ کردن آن... چون دیدم که نسخه آن در حال انجام پذیرفتن است و به نظر پاره‌ای، نسخه آن قدری مطول می‌نماید، خواستم تا جزو قواعد پارسی آن را با همان زبان باز کتابچه‌ای سازم که پارسی‌زبانان عموماً از آن بهره‌اندوزند و کودکان کتاب و دبستان از آن دستور زبان خویش آموزند. در عبارت قدری از نسخه پیش مختصرتر ولی در معنی بسیار مکمل‌تر نوشتم و جزء عربی آن را طرح کردم و این محصول چندین ساله تعلیم خود را مسقی به اسم دبستان پارسی گردانیدم» (۱۳۰۸: ۲-۳).

این کتاب برای بار دوم در سال ۱۳۲۴ ق در تبریز به همت کتابخانه تربیت منتشر شد.

این بار زیر عنوان کتاب، جمله «برای نوآموزان پرداخته شده است» آمده. چاپ دوباره دبستان پارسی در ایران و توضیحی که گویا ناشر به دیباچه کتاب اضافه کرده است نشان می‌دهد که دبستان پارسی در ایران برای آموزش دستور فارسی به کودکان و در دبستان‌ها کاربرد داشته است. در انتهای دیباچه چاپ دوم آمده است: «و در این اواخر که نسخه این کتاب نادرالوجود تمام شده بود کتابخانه تربیت به اذن مخصوصی به تکرار طبع و نشر آن برای خدمت به دبستان‌های تازه وطن پرداخت و احدی را حق طبع وی نیست» (۱۳۲۴: ۳).^۱

دیباچه دبستان پارسی برخلاف دیباچه دستور سخن مختصر است. در دیباچه چاپ اول، حبیب اصفهانی انگیزه و هدفش از چاپ این کتاب را بیان کرده و سپس از شخصی که باعث چاپ این اثر شده تشکر می‌کند. قسمت تشکرآمیز از چاپ دوم دبستان پارسی حذف شده است. در دیباچه دستور سخن، حبیب اصفهانی به ویژگی‌های دستور سخن اشاره کرده بود ولی در اینجا دیباچه را مختصر کرده است. بعد از دیباچه، ذیل عنوان «مدخل» نکاتی درباره تاریخ زبان فارسی بیان می‌کند که در دستور سخن نیامده بود. در ادامه، به تعریف دستور زبان می‌پردازد و درباره حروف الفبای فارسی و اختلاط آن با عربی بحث می‌کند.

یکی از تفاوت‌های دبستان پارسی با دستور سخن، به کار رفتن اصطلاح «زبان» به جای «سخن» و به تبع آن «دستور زبان» به جای «دستور سخن» است. در دستور سخن می‌گوید: «دستور سخن چنانچه در سایر السنه است فن درست سخن گفتن آن است. آنچه را گویند سخن و کلام نامند» (۱۲۸۹: ۲). و در دبستان پارسی ذیل عنوان «چگونگی دستور زبان و حروف هجا» می‌گوید: «دستور هر زبان عبارت از قاعده کلی است که با آن قاعده آن زبان را درست گفتن و نوشتن بتوانند. و زبان شیوه سخن گفتن است در دیاری خاص» (۱۳۰۸: ۶). البته در دستور سخن نیز از «زبان» در ترکیب‌هایی چون «زبان فارسی» و «زبان عربی» و... استفاده شده

۱. دیباچه چاپ دوم عیناً همان دیباچه چاپ اول است با دو تغییر. یکی اینکه در دیباچه چاپ اول، حبیب اصفهانی از شخصی به نام حاجی میرزا حسین شریف که باعث چاپ و انتشار این کتاب بوده تشکر کرده است. این قسمت در چاپ دوم حذف شده است. تغییر دوم، اضافه شدن نقل قول مذکور است که گویا ناشر آن را به گفته‌های حبیب اصفهانی در دیباچه افزوده. از آنجا که چاپ دوم دبستان پارسی در سال ۱۳۲۴ ق یعنی حدود چهارده سال بعد از مرگ حبیب منتشر شده است این توضیحات را باید از آن ناشر دانست.

ولی در دبستان پارسی اصطلاح «دستور زبان» جای «دستور سخن» را گرفته است. بعضی از مباحثی که در مقدمات دستور سخن ذکر شده بود از مقدمات دبستان پارسی حذف شده و در عوض به قسمتی در انتهای کتاب با عنوان «ذیل کتاب در بیان پاره‌ای ملاحظات» منتقل شده است.

مبحث «کلمه و کلام» آخرین مبحثی است که قبل از بدنه اصلی کتاب مطرح می‌شود. در این قسمت، حبیب اصفهانی تعریف کلمه و کلام و عبارت و جمله را بیان می‌کند و اقسام کلمه و اجزای کلام را برمی‌شمرد (۱۳۰۸: ۱۰).

گفتیم که حبیب اصفهانی در دستور سخن ابتدا کلمه را به شیوه دستوره‌های عربی به سه قسم فعل و اسم و حرف تقسیم کرد سپس موضوعات ده‌گانه دستور سخن را برشمرد. در دبستان پارسی نیز ابتدا سه قسم فعل و اسم و حرف را برای کلمه می‌شمرد و سپس تقسیم‌بندی دیگری ارائه می‌کند:

کلماتی را که کلام از آنها مرکب است از برای آسانی به ده قسم تقسیم کرده‌اند و هر یک را نامی گذاشته و همه را با هم اجزای کلام گفته‌اند بدین ترتیب: (۱) اسم (۲) صفت (۳) ضمیر (۴) کنایات (۵) فعل (۶) فرع فعل (۷) متعلقات فعل (۸) حروف (۹) ادوات (۱۰) اصوات. ما نیز در این مختصر این شیوه را اختیار کردیم و هر یک از این اجزای ده‌گانه کلام را فصلی جداگانه نهادیم (۱۳۰۸: ۱۰).

البته عملاً در کتاب نه فصل وجود دارد و ضمائر در فصل کنایات گنجانده شده و جزئی از آنها شمرده شده است. هفت موضوع از موضوعات ده‌گانه دستور سخن با آنچه حبیب اصفهانی در دبستان پارسی ذیل اجزای کلام آورده برابری می‌کند. به همین دلیل باید گفت حبیب اصفهانی در دستور سخن نیز به این تقسیم‌بندی قائل است اما صورت‌بندی آن در دبستان پارسی شسته‌رفته‌تر و دقیق‌تر است.

با پایان گرفتن مقدمات، فصل‌های اصلی کتاب آغاز می‌شود. تقسیم‌بندی فصل‌ها براساس اجزای کلام است. در پایان کتاب نیز بخشی با عنوان «ذیل کتاب در بیان پاره‌ای ملاحظات» وجود دارد که شامل مباحثی چون فرق میان دال و ذال، مجهول و معروف، قلب

و ابدال، تخفیف، قصر و مد حروف و... است (۱۳۰۸: ۱۲۵-۱۳۲). آخرین بخش کتاب هم، فهرستی الفبایی از لغات مشکل متن است. بدین ترتیب مندرجات دبستان پارسی را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد.

مندرجات دبستان پارسی	
دبیاچه	مقدمات
مدخل و بحث‌های آغازین	
فصل اول: اسم	بدنه اصلی
فصل دوم: صفت یا نعت	
فصل سوم: کنایات	
فصل چهارم: افعال	
فصل پنجم: فروع افعال	
فصل ششم: متعلقات افعال	
فصل هفتم: حروف	
فصل هشتم: ادوات	
فصل نهم: اصوات	
ذیل کتاب در بیان پاره‌ای ملاحظات	
فهرست لغات مشکل	

با مقایسه مندرجات دو کتاب می‌توان به تغییرات دبستان پارسی نسبت به دستور سخن پی برد. بدنه اصلی دستور سخن دارای دو بخش تعلیمات و معلومات بود. بخش تعلیمات شامل مباحث دستوری و بخش معلومات شامل فهرست‌هایی از اصطلاحات و لغات و ضرب‌المثل‌های عربی متداول در فارسی و بعضی ضرب‌المثل‌ها و کنایات فارسی بود. دبستان پارسی نسبت به دستور سخن سه تغییر مهم داشته است: ۱. بخش معلومات که اساساً ربطی به دستور زبان ندارد و به کار نوآموز زبان فارسی نمی‌آید از دبستان پارسی به کلی حذف شده است. ۲. مباحث مربوط به صرف و نحو عربی از دبستان پارسی حذف شده. ۳. تعداد شواهد شعری به میزان قابل توجهی کاهش یافته است و مثال‌ها

ساده‌تر شده‌اند.

علاوه بر تغییرات مذکور، حیب اصفهانی بعضی از اشتباهات دستور سخن را در دبستان پارسی تصحیح کرده؛ برای مثال «گویا» را از فهرست ادوات استفهام بیرون آورده (۱۳۰۸: ۵۲) و بعضی مباحث را با تدقیق بیشتری بیان کرده است. برای مثال در دستور سخن، صفت اشاره و اسم اشاره و ضمیر اشاره، همگی ذیل عنوان اسم اشاره جمع شده بودند ولی در دبستان پارسی به ساخت هر کدام جداگانه اشاره می‌شود:

چون «این» و «آن» با مشارالیه استعمال شوند در حکم صفت و موصوف باشند، مانند این مرد برادر توست... و چون مشارالیه مقدر باشد در حکم ضمیر باشند، چون در راه مردی را دیدم. آن برادر توست... و چون مشارالیه آنها نه مذکور باشد نه مقدر، آن وقت مبهم صرف باشند چون از این و آن چه فایده (۱۳۰۸: ۴۹-۵۰).

اما گاهی هم بعضی مباحث نظری را در دبستان پارسی مختصر کرده که منجر به کاهش دقت در آنها شده است. برای مثال طبقه‌بندی مباحث و چارچوب بخش فعل در دستور سخن دقیق‌تر از دبستان پارسی است. همچنین در دبستان پارسی قیودها را در فصل «متعلقات فعل» آورده است اما همان‌طور که او خود اشاره کرده: «تعلق این قیودات منحصر به فعل نیست بلکه به فاعل و مفعول و صفات و به دیگر متعلقات نیز پیوندند و بیان حال و هیئت آنها کنند» (۱۳۰۸: ۸۶)؛ بنابراین شاید بهتر بود عنوان «قیودات» که در دستور سخن آمده بود حفظ می‌شد.

به طور کلی حذف مباحث مربوط به صرف و نحو عربی و حذف بخش معلومات باعث شده که تمرکز دبستان پارسی صرفاً بر آموزش دستور فارسی باشد. کم شدن شواهد شعری و ساده شدن مثال‌ها و تک‌بعدی شدن کتاب باعث شده که این کتاب برای آموزش به نوآموزان مناسب‌تر باشد. از طرف دیگر، نظم و نسق ظاهری دبستان پارسی هم از دستور سخن بیشتر است؛ برای مثال، فهرست‌های الفبایی با دقت بیشتری تنظیم شده‌اند. ناگفته نماند که مباحث دستوری دبستان پارسی تفاوت چشمگیری با دستور سخن ندارند و بعضی مباحث بدون اندک تغییری در دبستان پارسی تکرار شده است. همچنین بعضی نکاتی که با تفصیل

در دستور سخن آمده، در دبستان پارسی یا حذف شده یا مختصر شده‌اند. گاهی این حذف و اختصار به ساختار کتاب لطمه زده. برای مثال، حذف شدن فصل نهم دستور سخن (در تألیف کلام) که دربارهٔ جمله و ارکان آن است و نگاهی کلی به جایگاه اجزای کلام در جمله دارد یکی از نقص‌های دبستان پارسی است. همچنین حبیب اصفهانی در دستور سخن مجال بیشتری داشته تا نظراتش را دربارهٔ رسم الخط و مسئلهٔ صحیح و غلط در زبان و به‌طور کلی آنچه امروزه در حوزهٔ ویرایش صوری و زبانی قرار می‌گیرد بیان کند.

به‌طور کلی آنچه در کارآمدی دبستان پارسی گفته شد از میزان اهمیت دستور سخن نمی‌کاهد. از میان کتاب‌های دستوری حبیب اصفهانی دستور سخن مشهورترین کتاب است. شهرت دستور سخن به‌دلیل تقدم آن بر دیگر کتاب‌ها، گستردگی مباحث و چند منظوره بودن آن است؛ ویژگی‌هایی که شاید همگی با هدف آموزشی کتاب همسو نباشند، ولی موجب شده‌اند تاریخ دستورنویسی فارسی با نام حبیب اصفهانی پیوندی ناگسستنی بیابد.

۱-۳ بررسی چاپ جدید دبستان پارسی به کوشش مریم طایفهٔ قشقایی

همان‌طور که گفته شد دبستان پارسی نخستین بار در سال ۱۳۰۸ ق در استانبول و دومین بار در سال ۱۳۲۴ ق در تبریز منتشر شد. بعد از گذشت بیش از یک قرن از تاریخ چاپ دوم، این کتاب در سال ۱۳۹۲ به کوشش مریم طایفهٔ قشقایی و به همت نشر دژنشت در اصفهان به چاپ رسید.

طایفهٔ قشقایی در ابتدای کتاب عکس صفحهٔ عنوان چاپ اول و دوم و همچنین تصویر و دستخط حبیب را گنجانده است. کتاب دارای مقدمهٔ کوتاهی به قلم جمشید سروشیار است. در این مقدمه دربارهٔ ترجمه‌های حبیب اصفهانی و جایگاه وی در نثر فارسی و همچنین ناشناخته بودن آثار او تا مدت‌ها، سخنی به میان آمده و در انتهای آن، دبستان پارسی مختصراً معرفی شده است (ص یک تا پنج).

بعد از مقدمهٔ سروشیار، مقالهٔ ایرج افشار با عنوان «سرگذشت میرزا حبیب اصفهانی»

درج شده است. طایفه قشقایی مشخص نکرده که این مقاله را از کجا نقل کرده. مقاله افشار اشکالاتی دارد که به منابع مختلفی از جمله مقدمه معینی راه یافته است (رک: ولی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴). علی‌رغم اینکه بعضی از این اشکالات در تعارض با اطلاعات مقدمه سروشیار است طایفه قشقایی به آنها اشاره‌ای نکرده. برای مثال می‌توان به مقایسه اطلاعاتی پرداخت که افشار (ص یازده) و سروشیار (ص سه، شش) درباره سال و محل مرگ حبیب اصفهانی به دست داده‌اند. به هر حال مقاله ایرج افشار بدون دخل و تصرف و توضیح خاصی در ابتدای کتاب گنجانده شده است. بعد از این مقاله، متن دبستان پارسی آمده است. بعد از اتمام متن، نمایه‌ای از کلمات و عبارات دستوری کتاب قرار گرفته و در انتها نیز مقاله‌ای از حبیب اصفهانی درج شده که در چهار شماره از رونامه اختر در سال ۱۳۰۷ ق به صورت مسلسل چاپ شده بود و موضوع آن عمدتاً تحول زبان فارسی است.

متن دبستان پارسی که به تصریح سروشیار، طایفه قشقایی خود آن را حروف‌نگاری کرده بسیار کم‌غلط است. شمار این اغلاط تا اندازه‌ای اندک است که می‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد و چاپ طایفه قشقایی از دبستان پارسی را چاپی منقح و معتبر دانست. متن دبستان پارسی خالی از هر گونه توضیح و تحشیه‌ای است. قاعدتاً نوشتن تعلیقات بر هر کتابی، درجه اول منوط به وجود چاپی کم‌اشتباه از آن است که طایفه قشقایی دست‌کم به این مهم رسیده است. از معدود اشکالات کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

همان‌طور که گفتیم حبیب در قسمت آغازین دبستان پارسی از اجزای کلام و تعداد آنها سخن می‌گوید. در این قسمت، علی‌رغم اینکه عملاً تعداد فصل‌های کتاب نه فصل است اجزای کلام را ده مورد دانسته:

۱. احتمال دارد این مقاله از مقدمه کتاب گزارش مردم‌گزیز برگرفته شده باشد (افشار ۱۳۸۸: ۱۳-۳۶). در مقدمه کتاب مذکور، ایرج افشار مقاله‌ای را که قبلاً در شماره‌هایی از مجله یغما به چاپ رسیده بود با اضافات و تغییراتی دوباره منتشر می‌کند. در چاپ طایفه قشقایی، متأسفانه با خواندن نخستین پاورقی مقاله، خواننده گمان می‌برد که این مقاله مستقیماً از مجله یغما نقل شده است: «نقل از مجله یغما، سال ۱۳ (۱۳۳۹): ۴۹۱-۴۹۷ و ۱۶ (۱۳۴۲): ۸۰-۸۲ با اضافاتی که به تدریج بر آن افزوده شده است» (ص نه)، اما پاورقی مذکور، افزوده ایرج افشار است که به پیشینه این مقاله اشاره دارد. به نظر می‌رسد که همه پاورقی‌های مقاله جز یکی (ص بیست‌وهشت) از آن ایرج افشار است. طایفه قشقایی به این مسئله اشاره‌ای نکرده است.

کلماتی را که کلام از آنها مرکب است از برای آسانی به ده قسم تقسیم کرده‌اند و هر یک را نامی گذاشته و همه را با هم اجزای کلام گفته‌اند بدین ترتیب: (۱) اسم (۲) صفت (۳) ضمیر (۴) کنایات (۵) فعل (۶) فرع فعل (۷) متعلقات فعل (۸) حروف (۹) ادات (۱۰) اصوات. ما نیز در این مختصر این شیوه را اختیار کردیم و هر یک از این اجزای ده‌گانه کلام را فصلی جداگانه نهادیم (۱۳۰۸: ۱۰؛ ۱۳۲۴: ۱۱-۱۲).

اما در چاپ طایفه قشقای در این قسمت عدد ده به عدد نُه تغییر یافته و شماره سوم یعنی ضمیر حذف شده است (ص ۱۰). طایفه قشقای احتمالاً برای تطبیق دادن این توضیح با فصل بندی کتاب، متن را بی آنکه هیچ توضیحی بدهد تغییر داده است. بعد از اتمام نه فصل کتاب، بخشی هست با عنوان «ذیل کتاب در بیان پاره‌ای ملاحظات». این بخش همان‌طور که از عنوانش پیداست جزئی از بخش اصلی کتاب نیست اما صفحه‌آرایی کتاب به نوعی است که خواننده آن را قسمتی از فصل نهم می‌انگارد (ص ۱۷۴). ناگفته نماند که اشکالات حروف‌نگاری کتاب، بسیار انگشت‌شمار است (مثلاً ص ۴۹، ۷۲).

به هر حال بازچاپ آثار دستوری حبیب اصفهانی می‌تواند توجه محققان حوزه دستور را بار دیگر به این شخصیت بزرگ که در چندین عرصه مختلف پیشرو بوده است جلب کند. در این میان، باید کوشش کسانی را که در این راه قدم می‌گذارند ارج نهاد. اگرچه چاپ معینی چندان برای پژوهش‌های دقیق دستوری قابل استناد نیست ولی برای آشنایی با آراء دستوری حبیب اصفهانی و نظام ذهنی او کفایت می‌کند. امید است در چاپ‌های آینده این کتاب بازنگری‌ای کلی صورت گیرد و اغلاط آن به حداقل برسد. علی‌رغم اینکه چاپ تازه دبستان پارسی چاپ معتبری است و با کمترین اشتباهات ممکن در دسترس محققان قرار گرفته، تلاش چندان برای معرفی آن صورت نگرفته است و بسیاری از پژوهشگران حوزه دستور از بازچاپ این اثر بی‌خبرند.

منابع

- افشار، ایرج (۱۳۸۸)، «مقدمه»، رک: مولیر؛
- پیرزاده نائینی، حاجی محمدعلی (۱۳۶۰)، سفرنامه حاجی پیرزاده، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، ج ۲، چ ۲، بابک، تهران؛
- حبیب اصفهانی، میرزا (۱۲۸۹ ق)، دستور سخن، استانبول؛
- _____ (۱۳۰۸ ق)، دبستان پارسی (برای پارسی آموزان پرداخته شده است)، چ ۱، استانبول؛
- _____ (۱۳۲۴ ق)، دبستان پارسی (برای نوآموزان پرداخته شده است)، چ ۲، کتابخانه تربیت، تبریز؛
- _____ (۱۳۹۲)، دبستان پارسی، به اهتمام مریم طایفه قشقایی و با مقدمه جمشید سروشیار، چ ۱، دژنپشت، اصفهان؛
- _____ (۱۳۹۴)، دستور سخن، به کوشش محسن معینی، چشمه، تهران؛
- خان ملک ساسانی (۱۳۰۸)، «میرزا حبیب اصفهانی»، ارمغان، س ۱۰، ش ۱۰۲ و ۱۰۳ (اردیبهشت و خرداد)، صص ۱۱۰-۱۲۰؛
- _____ (۱۳۷۶)، «میرزا حبیب اصفهانی»، تذکره مدینه‌الادب، اثر محمدعلی مصباحی نائینی متخلص به عبرت، چاپ عکسی از روی نسخه به خط مؤلف، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران؛
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۴)، دستور خط فارسی، چ ۳ و ۴، نشر آثار (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، تهران؛
- مدرس صادقی، جعفر (۱۳۷۹)، «مقدمه»، رک: موریه؛
- مظاهری، جمشید و همکاران (۱۳۸۳)، «بررسی و تحلیل وجه التزامی در دستور زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۳۸ (پاییز)، صص ۹۵-۱۰۸؛
- موریه، جیمز (۱۳۷۹)، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، به کوشش جعفر مدرس صادقی، مرکز، تهران؛
- مولیر (۱۳۸۸)، گزارش مردم‌گریز یا ترجمه منظوم میزانتروپ، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، به کوشش ایرج افشار، آمه، تهران؛
- میرانصاری، علی (۱۳۹۱)، «حبیب اصفهانی»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۰، چ ۲، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، صص ۹۰-۹۷؛
- مینوی، مجتبی (۱۳۳۶)، «دستور زبان فارسی»، یغما، ش ۱۱۴ (دی‌ماه)، صص ۴۳۳-۴۴۶؛
- ولی‌پور، مونا (۱۳۹۴)، «معرفی و نقد چاپ دستور سخن میرزا حبیب اصفهانی به کوشش محسن معینی»، فصلنامه نقد کتاب ادبیات، ش ۲ (تابستان)، صص ۲۹-۴۶.